

۱۴۰۲۳۸۲

جولیا پیرپونت

زنان بدون مرز

زن رادی که دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند

ترجمه عباس گودرزی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه جولیا پیرپونت Pierpont, Julia

عنوان و نام پدیدآور زنان بدون مرز/ زن‌هایی که دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند/ جولیا

پیرپونت/ ترجمه عباس گودرزی/ تصویرگر منجیت تهاپ

مشخصات نشر تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری ص ۳۶۷

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۳-۳۷۲-۲

وضعیت فهرست‌نویسی فیبا

موضوع سرگذشتنامه

شناسه افزوده تهاپ، منجیت، تصویرگر

شناسه افزوده گودرزی، عباس، ۱۳۵۵ - مترجم

رده‌بندی کنگره رده‌بندی دیویی ۱۳۹۷ ک ۲ پ ۹ / HQ ۱۱۲۳

رده‌بندی دیویی ۳۰۵/۴۲۰۹۲

شماره‌ی کتابشناسی ملی ۵۲۰۲۹۶۷



■ زنان بدون مرز (زن‌ها) - دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند

جولیا پیرپونت

ترجمه‌ی عباس گودرزی

آماده‌سازی و تولید:

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی

چاپ و صحافی: نقره‌آبی

نوبت و شمارگان: چاپ دوم ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

فهرست مطالب

۱۳	هفته
۱۹	آرتیسیا سیسکی
۲۷	کانوسو اکو
۳۱	ویرجینیا وولف
۳۵	آپرا
۳۹	دل مارتین و فیلیس لیون
۴۳	فروغ فرخزاد
۴۷	سافو
۵۱	باربارا جردن
۵۵	هریت توبمن
۵۹	هوپاتیای اسکندریه
۶۳	یایویی کوساما
۶۷	امی نوئر
۷۱	گلوریا اشتاینم
۷۵	ساندرا دی آکانر
۷۹	وَنگاری ماتهای
۸۳	مایا آنجلو

۸۷	کیتی کان
۹۱	دولورس هوئرتا
۹۵	ریچل کارسون
۹۹	خواهران برونته
۱۰۳	نیناسیمونه
۱۰۷	ارما بومبک
۱۱۱	بلی دالی
۱۱۵	بلیس ویتلی
۱۱۹	کارین پورن
۱۲۳	بنا آرتور
۱۲۷	فرانسیس پرکیس
۱۳۱	امیلیا ارهارت
۱۳۹	سیمون دو بووار
۱۴۳	دوروتی لانگ
۱۴۷	ایسادورا دانکن
۱۵۱	سویورنر تروث
۱۵۵	جوزفین بیکر
۱۵۹	خواهران ویلیامز
۱۶۳	آن فرانک
۱۶۷	خواهران میزابال
۱۷۱	بی نظیر بوتو
۱۷۵	هلن کلر
۱۷۹	فریدا کالو

۱۸۲	ملاله یوسف زای
۱۸۷	گرتروود بل
۱۹۱	آن و سسیل ریچاردز
۱۹۵	آیدا بی. ولز
۱۹۹	الی رایڈ
۲۰۳	بلانہ ک
۲۰۷	کشانابا گسرا
۲۱۱	مرن ادوا ریز واڈ
۲۱۵	جین ژیاڈگ
۲۱۹	جولیا چایلد
۲۲۳	مدونا
۲۲۷	مہ وست
۲۳۱	مارشاپی جانسون
۲۳۵	گلادیس الفیک
۲۳۹	مری ولستن کرافت و مری شلی
۲۴۳	ماریاموئتہ سوری
۲۴۷	جین آدامز
۲۵۱	الیزابت اول
۲۵۵	روبی بریجز
۲۵۹	ماری کوری و ایرنہ ژولیو-کوری
۲۶۳	مارگارت سنگر
۲۶۷	جونکو تابایی
۲۷۱	دوروتی ارزنر

۲۷۵	آنا پولیتکوفسکایا
۲۷۹	ساحران شب
۲۸۳	هلن هیز
۲۸۷	النور روزولت
۲۹۱	هیلاری رادهام
۲۹۵	لیز مایتنر
۲۹۹	رسی ریوت
۳۰۳	لستر نیامات
۳۰۷	جینا اینس ووز
۳۱۱	آدره نور
۳۱۵	ویلما منکیلر
۳۱۹	بیلی جین کینگ
۳۲۳	کارا واکر
۳۲۷	ادا لاولیس
۳۳۱	لوئیزا می الکوت
۳۳۵	شرلی چیشولم
۳۳۹	خواهران گرمکه
۳۴۳	گریس هاپر
۳۴۷	امیلی دیکسون
۳۵۱	الایبکر
۳۵۵	جین آستین
۳۵۹	تقدیر عقاب خالدار
۳۶۳	مارگارت همیلتون

۳۶۷ لویی بورژوا

۳۷۱ مارلین دیتريش

www.ketab.ir

مقدمه

هرگز به یاد ندارم که در کودکی‌ام چیزی جز دختر بوده باشم. و به یاد می‌آورم که در بین مردم هراره مؤنث بوده‌ام. در کودکی، مادرم قصه‌ای دربارهٔ دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها می‌گفت. در حالا برای من بیشتر تمثیل است تا قصه. تابستان سالی که چهار ساله می‌شام، من برای یک پیش‌دستانی ثبت نام کردند که «سال‌های جادویی» نام داشت. از سوی مادر سه، در یک اردوی تفریحی به همراه والدین شرکت کرده بودیم و قرار شد لباس‌های پیتربین را بازی کند. مادرم که موهای بلند و مشکی داشت، نفس‌داری‌ها را بره‌عهده گرفت. همین‌که نمایش شروع شد، پسرها دور او جمع شدند و تا جایی که دستان کوچک‌شان می‌رسید، به سروصورت او می‌زدند. دخترها از ترس و ارک‌دند و فریاد می‌زدند: «دنبال‌مان بیا، دنبال‌مان بیا!» مادرم در آن سال‌ها خجسته‌تر را می‌نوشت و من از او خواستم تا شرح ماجرای آن روز را برایم بخواند. و او پسین خواند: «دخترها می‌خواستند من دنبال‌شان بروم، اما پسرها قصد داشتند من را بزندان بکشند و تکه‌های بدنم را بخورند.» حالا او از خودش می‌پرسد چرا چنین شد: او در سال ۱۹۷۰ به دانشگاه می‌رفت، کار می‌کرد و از نسل زنانی بود که مبارزه کردند تا موانع ناشی از نقش‌های سنتی مربوط به تفکیک‌های جنسیتی را از میان بردارند. و

جنبش آن‌ها، مرموز و پنهان، عاقبت در همه جا نفوذ کرد و جاری شد. این کتاب دربارهٔ رشادت‌های زنانی است که شجاعانه آن نقش‌ها را شکستند و اگر چنین نمی‌کردند، اکنون دنیای ما بسیار بدتر از آنچه هست، می‌بود. فهرست عرضه شده در این کتاب کوچک، تنها صد زن را معرفی می‌کند، و به هیچ وجه کامل و قطعی نیست. من و کیتلین مک‌کنا، ویراستار اثر، ابتدا با جمع‌آوری چند تن از زنانی شروع کردیم که به ما الهام داده و در عین حال، به چالش کشانده بودند. پس از دیگران کمک گرفتیم و دوستم، جنیفر رایس اهل اوستین، شرلی چیشولم را به ما معرفی کرد؛ اولین زن سیاه‌پوستی که به کنگرهٔ امریکا راه یافت و روی بورد تاسیساتش چنین نوشته بود: «چیشولم، آماده‌ای یا نه؟» چون برای او اهمیتی نداشت که دیگران چه فکر کنند. همچنین، آن ریچاردز، چهار و پنجمین فرماندار تگزاس، به ما نشان داد که «همهٔ پست‌ها را به زنان داده بود.» وقتی منجیت تهاب به عنوان تصویرگر به ما ملحق شد، او نیز کسانی مثل هنرمند سرشناس ژاپنی، یایویی، زامو، فعال اجتماعی، مارشا پی. جانسون، را معرفی کرد. در ادامه، کیتلین از دوستانش بر اساس سارات رندوم هاوس کمک خواست و آن‌ها فهرستی طولانی از زنان تأثیرگذار را در اختیار ما گذاشتند. جالب است که پنج نفر کاترین هیبورن را پیشنهاد داده بودند و هشت نفر هم ماری کوری را. وقتی فهرست اسامی تا مرز چهارصد نفر رسید، ناچار به ناخوشی به کار ناخوشایند حذف روی آوردیم. ولی تعدادی که در نهایت باقی ماندند از سراسر جهان هستند و به لحاظ زمانی، گستره‌ای از شاعر یونانی، سافو، (متولد ۶۰۰ قبل از میلاد) گرفته تا کسانی مثل ملاله یوسف‌زای (فعال پاکستانی متولد ۱۹۹۷) را که نزدیک به دوران خودمان هستند، شامل می‌شود.

در فهرست کردن زنان این کتاب، از روش کتاب کاتولیکی یک قدیس برای یک روز استفاده شده است؛ به این معنا که هر روز برای تقویت روحیه و الهام بخشی می توان شرح حال یک نفر را خواند. پس به هر شخصیتی که ذکرش در این کتاب آمده یک روز نکوداشت اختصاص یافته تا، مثلاً، شرح حال جوزفین مکر دامن موزی را در روز سوم ژوئن هر سال، مصادف با روز تولدش بخوانیم. روز ولنتاین را به نکوداشت سافو و شعرش که از تمنا می سراید، اختصاص داده ایم. همچنین، روز بیستم ماه می را به امیلیا ازهارت تخصص داده ایم، یعنی روزی که او در سال ۱۹۳۲، به تنهایی پرواز خود را بر فراز اقیانوس اطلس آغاز کرد. کتاب‌های مربوط به قدیسان مذهب کاتولیک تاریخچه پیچیده‌ای دارند و من وقتی در احزاب مدرکة الیزابت اول، به عنوان حاکمی وابسته به مذهب پروتستان در کشوری که پیش از آن کاتولیک بوده، می خواندم، به طور اتفاقی با یکی از این گونه کتاب‌های مربوط به نکوداشت قدیسان آشنا شدم. وقتی کشیشی از کلیسای سنت پل یک کتاب دعا با تصاویری از قدیسان را به الیزابت پیشکش می کند، او نمی پذیرد و می گوید: «می دانید که من از بت پرستم بیزارم.» ولی بحث ما این است که تمام زنان مطرح شده در این کتاب، در زندگی خود کارهایی کرده اند که آن‌ها را به انسان‌هایی با ارزش و قابل احترام تبدیل کرد. پس اجازه دهید که این کتابی کوچک و عاری از پیشداوری‌های ایدئولوژیک در مورد زنان اندیشمند و پیشگام، فارغ از رنگ و پوست و نژادشان، باشد.

نکته دیگر اینکه شرحی که در خصوص هر بانو آمده، قرار است که یک زندگی‌نامه یا شرح حال‌نامه باشد زیرا مانند این‌ها را می توان به راحتی در منابع اینترنتی یافت. در عوض، در پژوهش روزانه خود، سعی کردم بر ابعاد برجسته و پررنگ و لعاب در زندگی آن‌ها، یا بر حکایاتی که برای دوستانم تعریف می کردم، تمرکز کنم. کم کم ارتباطاتی هم بین زنان پیدا می شد. برخی از این پیوندها

غیرمستقیم بودند. مثلاً، متوجه شدیم که در نمایشگاه جهانی شیکاگو، زمانی که دیوارنگارهٔ فمینیستی مری کست، با عنوان زنان مدرن، داشت در درون نمایشگاه تحرکاتی می‌انگیخت، آیدا بی. ولز در بیرون آن، مشغول تدارک برنامهٔ تحریم نمایشگاه به‌علت حذف سیاه‌پوستان از دیدار آن بود. با گذشت زمان و کوچک‌تر شدن دنیا، مواردی از هم‌پاری و حمایت متقابل نیز بین آن‌ها یافت شد. وقتی مجلهٔ تلوری اشتاینم با نام میس^۱ (بانو) در سال ۱۹۷۲ راه‌اندازی شد و استهادی را با عنوان «ما سقط جنین داشته‌ایم» منتشر کرد، نام بانوی اول تنیس زنان، بیلی جین کینگ روی جلد آن قرار گرفت. یا وقتی که روی بریجز (که در پروندهٔ قضایی براون علیه آموزش و پرورش، در سال ۱۹۶۰، اولین کودک سیاه‌پوستی شد که در یک مدرسهٔ سفیدپوست در لوئیزیانا، حضور یافته بود) سی‌وشش سال بعد با معلم خود در آن مدرسه دیدار کرد، در یک برنامهٔ گفت‌وگو محور تلویزیونی بود که مجری آن، لک تمام رسانه‌ها، آپرا وینفری، بود. و من احساس کردم که با یک رابطهٔ خوبی بسیار بزرگ روبه‌رو شده‌ام.

و حالا مدخل دیگری نیز در دفتر خاطرات مادرم هست که یک ماه پیش نوشته شده، یکی از روزهای ماه فوریه و مرا عجب گرم است. ما در حیاط مدرسه هستیم، و از قضا، امروز هم داریم نمایش پیشین را بازی می‌کنیم. مادر نوشته است: «من نقش کاپیتان هوک را دارم، جولیا نقش میکایل و جان را دارد، گابریل کرو کودیل است، لیندسی نقش وندی را بر عهده گرفته. دختره، آنتونیای ریز نقش هم که ما آنجا دیدیم، در نقش پن ظاهر شده است. این همه مورد این بازی جالب می‌نمود، علاوه بر دقت نظر مادرم در ارائهٔ فهرست نمایش، عدم حضور پسرها در آن بود. آری، مثل آب، ما دخترها جایی را که برای ما باز شده

1. Ms.

پر کرده‌ایم. زنانی که در صفحات این کتاب آمده‌اند، فضاهای خود را سراسر پر کرده‌اند. فضاهایی بسیار بزرگ، آن‌هم در روزگاری که هیچ‌کس مکانی را به آن‌ها اختصاص نداده بود.

www.ketab.ir